

مفهوم‌شناسی واژه سائحون در قرآن

معصومه شریفی^۱، طاهره ماهرزاده^۲

چکیده

قرآن کلام وحی الهی است که با لفظ و معنا از جانب خداوند بر رسولش نازل شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آیات الهی را بر اصحاب خود می‌خواند و آنها را تبیین می‌کرد. تفسیر کلمات قرآن باید براساس معانی به کار رفته در عصر نزول باشد. چون گذشت زمان باعث تطور معانی می‌شود بررسی لغات قرآنی در تفسیر آیات امری ضروری است. مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از کتاب‌های لغت واژه سیح را در آیات قرآن کریم به صورت دقیق بررسی می‌کند. کلمه سیح از الفاظ کم کاربرد قرآن است که مشتقات آن سه بار در آیات قرآن به کار رفته است و مفسران معانی مختلفی برای آن بیان کرده‌اند. برخی ریشه آن را عربی و برخی دیگر آن را از ریشه عبری می‌دانند. در نوشتار حاضر با مطالعه و تحلیل نظر لغت‌شناسان مشخص شد که معنای لغوی این واژه جریان آب در زمین همراه با تروی، تامل و درنگ است. با بررسی نظر مفسران دو معنای اصطلاحی برای واژه سیح بیان شد. این واژه در ظاهر به معنای سیر و گردش در زمین برای دین و ادای حق است، ولی معنای باطنی آن سیر و سلوک الی الله است. این واژه یک بار در معنای لغوی و دوبار در معنای اصطلاحی به کار رفته است.

واژگان کلیدی: معناشناسی، سائحون، سیر و سلوک، سوره توبه.

۱. مقدمه

قرآن کریم تنها کتابی است که بشریت را به هدایت حقیقی که هدف خداوند متعال است، می‌رساند. در طول تاریخ لغت‌شناسان و پژوهش‌گران قرآنی برای فهم و درک قرآن و تبیین مراد

^۱. دانش‌پژوه کارشناسی قرآن و حدیث. مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، افغانستان.

^۲. استادیار تفسیر تطبیقی و عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، ایران.

خداوند برای هدایت جوامع تلاش بسیاری کرده است؛ زیرا فهم معانی ارزشمند قرآن و درک صحیح منظور خداوند مقدمه هدایت بشریت به سوی کمال و هدایت الهی است. ابتدا برای فهم صحیح و جامع از منظور خداوند باید پژوهش و تحلیل در زمینه الفاظ و مفردات قرآن انجام شود و با نگاهی جامع‌تر و دقیق‌تر به کشف معنای حقیقی و ریشه‌ای الفاظ قرآن پرداخت؛ زیرا این امر در تراجم، تفاسیر، مطالعات و پژوهش‌های قرآنی تأثیر زیادی دارد. سطحی‌نگری و تسامح در زمینه مطالعات الفاظ قرآن جامعه اسلامی را از مسیر هدایت حقیقی دور می‌کند. معانی الفاظ قرآن با گذشت زمان تغییر و تطور معنایی می‌یابد و لغت‌شناسان، مترجمان و مفسران نیز معانی مختلفی برای برخی الفاظ قرآن بیان می‌کنند. این اختلاف در معانی الفاظ قرآن می‌تواند برخاسته از عملکرد اندیشمندان در تحلیل الفاظ باشد و ممکن است با منظور خداوند فاصله داشته باشد. بنابراین، دستیابی به مرادی که خداوند در حقیقت اراده کرده است اهمیت و ضرورت زیادی دارد و تلاش‌ها و نوشتارهای بسیاری را می‌طلبد تا با بررسی و تحلیل علمی، ادبی، قرآنی و با استفاده از دیدگاه لغت‌شناسان و مفسران و الگوهای معناشناسی، ساختار واژگان را واکاوی کرد و به درک عمیق‌تر و دقیق‌تر از واژگان قرآن دست یافت و در پرتوی آن معانی الفاظ و مراد خداوند متعال را دریافت. واژه سیح یکی از واژگان کم‌کاربرد قرآن است. لغت‌شناسان و مفسران در بیان و ارائه معنای آن نظرات مختلفی را مطرح کرده‌اند و اینکه کدام معنا حقیقی است نیازمند بررسی و واکاوی بسیار است تا مشخص شود این واژه در زمان نزول چه معنایی داشته است و مراد خداوند از استفاده این لفظ در قرآن چه چیزی بوده است.

پژوهش حاضر درباره قرآن و معارف والای آن و نگارش درباره آموزه‌ها و تعالیم عمیق آن و همچنین درباره تبیین آیات روح‌بخش الهی که سابقه و پیشینه‌ای کهن دارد، است. مفسران و لغت‌شناسان از دیرباز با کوشش و تلاش فراوان در زمینه تفسیر واژگان و تبیین لغات قرآن کتب بسیاری در زمینه واژگان قرآن نوشته‌اند. از جمله کتب بارز لغوی عبارتند از: العین، مقایس اللغة، معجم مفردات الفاظ قرآن، لسان العرب، مجمع البحرین، التحقيق فی کلمات القرآن و باتوجه به اینکه مفهوم‌شناسی و معناشناسی واژگان قرآن در مباحث علوم قرآنی و تفسیر آن اهمیت ویژه‌ای دارد همواره پژوهش‌گران و محققان علوم قرآن در زمینه‌ی واژگان قرآن، کتاب‌ها و مقالات بسیاری نوشته‌اند، ولی درباره واژه سیح تاکنون مطلبی یافت نشده است.

تنها مورد مشابه مقاله معناشناسی واژه سیاحت و مترادفات آن در قرآن، نوشته ابراهیم ابراهیمی و فرشته صالحی است. در این نوشتار سعی بر این است که با مراجعه به لغت‌نامه‌ها و تفاسیر با روش توصیفی - تحلیلی گستره مفهوم واژه سیح از دیدگاه لغت‌شناسان و مفسران قرآن کریم بررسی شود و به این سؤال پاسخ داده شود که از دیدگاه مفسران معنای لغوی و اصطلاحی واژه سیح چیست.

۲. بسامد سیح در قرآن

واژه سیح و مشتقات آن در مجموع ۳ بار در قرآن به کار رفته است: ۲ مرتبه در سوره توبه و ۱ مرتبه در سوره تحریم.

۳. کاربرد سیح در قرآن

فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُحْزِي الْكَافِرِينَ.

با این حال چهار ماه مهلت دارید که آزادانه در زمین سیر کنید و هر جا می‌خواهید بروید و بیندیشید و بدانید شما نمی‌توانید خدا را ناتوان کنید و از قدرت او فرار کنید و بدانید خداوند خوارکننده کافران است. (توبه: ۲)

سیحوا فعل امر و مبنی بر حذف نون است و واو فاعل آن است. جمله «سیحوا» محلی از اعراب ندارد و معطوف به جمله ابتدائیه است. (صافی، ۲۷۸/۱۰)

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ.

توبه‌کنندگان، عبادت‌کاران، سپاس‌گویان، سیاحت‌کنندگان، رکوع‌کنندگان، سجده‌آوران، آمران به معروف، نهی‌کنندگان از منکر و حافظان حدود و مرزهای الهی مؤمنان حقیقی‌اند و بشارت ده به این چنین مؤمنان. (توبه: ۱۱۲)

سائحون جمع سائح، اسم فاعل از ساح، ثلاثی، بر وزن فاعل، خبر برای مبتدای محذوف و رفع آن به واو است. (صافی، ۴۳/۱۱)

عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا.

امید است که اگر او شما را طلاق دهد پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد، همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه کار، عابد، هجرت کننده، زنانی غیر باکره و باکره. (تحریم: ۵)

سائنحات برای ازواجاً حال است و منصوب است. (صافی، ۲۹۶/۲۸)

۴. ریشه‌شناسی سیح

در مورد ریشه سیح دو دیدگاه وجود دارد: با مراجعه به کتاب‌هایی مانند واژه‌های دخیل در قرآن نوشته آرتور جفری و المعرب فی القرآن نوشته محمد السید علی بلاسی ماده سیح از واژه‌های دخیل و عجمی قرآن نیست. بنابراین، ریشه آن را عبری نمی‌دانند، اما علامه مصطفوی در التحقیق به نقل از قاموس عبری ریشه سیح را آورده است و آن را محادثه، تأمل کردن، تفکر کردن، تلاش و حرص معنا کرده است. (مصطفوی، ۱۳۸۵، ۳۴۵/۵)

۵. مفهوم‌شناسی سائحون

۱-۵. سیح در لغت

حروف اصلی سیح حرف سین، یاء و حاء است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۱۲۰/۳) برخی آن را آبی که بر زمین ظاهر است، معنا کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۲۷۲/۳ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴۹۲/۲) و برخی آن را به معنای جاری بودن می‌دانند (فراهیدی، ۲۷۲/۳، ابن فارس، ۱۲۰/۳، راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۳۱، ابن منظور، ۴۹۲/۲، فیومی، ۱۴۱۴، ۲۹۹/۱ و مصطفوی، ۳۴۵/۵). بعضی معنای آن را جریان آب تداوم می‌دانند (راغب اصفهانی، ص ۴۳۱). علامه مصطفوی نظر متفاوتی دارد و معتقد است که سیح به معنای جریان همراه تروی، تأمل و درنگ است (مصطفوی، ۳۴۵/۵). به آب جاری السیح می‌گویند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۲۷۲/۳، ابن فارس، ۱۴۰۴، ۱۲۰/۳، فیومی، ۲۹۹/۱ و مصطفوی، ۳۴۵/۵). السیح از باب تسمیه اسم به مصدر آن است و سیحون نام رودخانه بزرگی در مقابل رود جیحون است (فیومی، ۲۹۹/۱) و جمع آن سیوح و اسباح است (فراهیدی، ۲۷۲/۳ و ازهری، ۱۴۲۱، ۱۱۲/۵). لغت‌شناسان ساح، یسیح، سیحا را به شکل‌های مختلفی آورده‌اند که دلالت می‌کند بر آبی که روی زمین جاری باشد (فراهیدی، ۲۷۲/۳، ازهری، ۱۱۲/۵، ابن فارس، ۱۲۰/۳ و فیومی، ۲۹۹/۱)

السیح به معنی حرکت و کوچ کردن از سرما (فراهیدی، ۲۷۲/۳) و به معنی عباى مخطط است (ابن فارس، ۱۲۰/۳). سیاحه به معنای رفتن برای عبادت است و سیاحت این امت روزه‌داری و التزام به مسجد است (فراهیدی، ۲۷۲/۳، ازهری و ۱۱۲/۵). «رجل سائح فی الارض و سیاح؛ مردی است سیاح و جهان‌گرد» (راغب اصفهانی، ص ۴۳۱) مساییح به معنای کسانی است که برای سخن‌چینی و شر میان مردم می‌گردند (فراهیدی، ۲۷۲/۳ و ابن فارس، ۱۲۰/۳). مسیح به معنای مخطط است (فراهیدی، ۲۷۲/۳). «ساح فلان فی الارض؛ او مثل گذشتن و جریان آب در زمین شتافت» (راغب اصفهانی، ص ۴۳۱). «ساح الظل اذا فاء؛ حرکت می‌کند سایه زمانی که برمی‌گردد» (ابن فارس، ۱۲۰/۳).

درباره سائحون و سائحات نظرات مختلفی بیان شده است که عبارتند از:

- در آیه ۱۱۲ سوره توبه السَّائِحُونَ یعنی، روزه‌داران و در آیه ۵ سوره تحریم سَائِحَاتٍ ۵ یعنی، زنان روزه‌دار. بعضی گفته‌اند واژه صوم دو صورت است: اول صوم و روزه حکمی که نخوردن غذا و ترك هم‌بستری در روز با همسران است. دوم صوم و روزه حقیقی و آن نگه‌داشتن اعضا و جوارح مانند گوش، چشم و زبان از گناهان است، پس سَائِح کسی است که این روزه دوم را به‌جا می‌آورد با روزه اول. (راغب اصفهانی، ص ۴۳۱)

- سائحون و سائحات هردو به معنای سائمون یا روزه‌داران هستند. به صائم، سائح می‌گویند؛ زیرا سائح در زمین برای عبادت بدون زاد و توشه سفر می‌کند و هر زمان که طعامی بیابد می‌خورد و صائم هم مانند او غذا نمی‌خورد. (ازهری، ۱۱۲/۵ و طریحی، ۱۳۷۵، ۳۷۶/۲)

- علامه مصطفوی باتوجه به آیه ۱۱۲ سوره توبه هفت مرحله برای سیر و سلوک الی الله بیان می‌کند که چهارمین مرحله منزل سیاحت است. ایشان توضیح می‌دهد که منزل سیاحت سیر معنوی و حرکت روحی در اسما و صفات و تجلیات الهیه و کسب معرفت به حقایق و معارف عالم لاهوت به‌وسیله تهذیب نفس و تزکیه و تسلیم آن و کناررفتن پرده‌ها با تأیید خداوند متعال و با حول و قوه و لطف و توفیق او است. این به این معناست که با اتصاف به صفات عالی‌ه الهیه و قرارگرفتن در ساحت صفات و درنگ کردن در ساحت او و متخلق شدن به حقایق او محقق می‌شود. در این هنگام حقایق اسما و صفات برای او تجلی می‌یابد و برای آن آمادگی پیدا می‌کند و از این منزل عبور می‌کند و به‌وسیله حق به‌سوی حق سفر می‌کند. (مصطفوی، ۳۴۷/۵)

آیه ۵ سوره تحریم درمورد واژه سائحات می‌فرماید: «مراد زنان هستند که درصدد درنگ، تفکر و تحقیق در معارف الاهیه و عقاید دینی و چگونگی تهذیب نفس هستند. (مصطفوی، ۵۳۴۹) براساس روایات واژه سائحات عام است و یعنی مردان و زنانی که در راه خدا و دین گردش و سیر می‌کنند خواه به مساجد باشد یا جهاد یا روزه و ... (قرشی، ۱۳۷۱، ۳/۳۶۱).

۵-۱-۱. جمع‌بندی

نظرات درمورد معنای لغوی سیح مختلف، اما بسیار به هم نزدیک است. برخی از معانی قابل قبول نیست. برای مثال برخی می‌گویند که سیح به آبی که در زمین ظاهر است، گفته می‌شود. این معنا ناقص است؛ زیرا سیح همواره بر گردش و حرکت دلالت دارد و آنها از ذکر چنین قیدی غفلت کرده‌اند. کسانی که قید جریان را به این تعریف اضافه کرده‌اند صحیح‌تر عمل می‌کنند و به همین دلیل است که به آب جاری السیح می‌گویند. برخی قید استمرار را بیان کرده‌اند که نیازی به این قید نیست؛ زیرا معنای استمرار در جریان نهفته است. وقتی به کاربردهای دیگر واژه السیح مانند حرکت و کوچ از سرما، عباي مخطط و حرکت سایه توجه شود، مشخص می‌شود معنایی که مصطفوی آورده است بسیار دقیق‌تر است؛ زیرا در این کاربردها تروی، تأمل و درنگ ضروری است و جریان و حرکت صرف در آنها معنا ندارد. کوچ از سرما بدون تأمل و تدبیر امکان ندارد و ترسیم خطوط عبا بدون درنگ و تأمل بی‌نظم و ناهمگون است و حرکت سایه همواره بر مبنای نظم و قاعده خاصی است. درمورد معانی که برخی درمورد آیه ۱۱۲ توبه برای سائحات بیان کرده‌اند باید گفت که این معانی را یا بر مبنای سببیت، یا از باب بیان مصداق و یا از باب بیان بطن آیه می‌توان در نظر گرفت. همان‌طور که مصطفوی معنای عرفانی و باطنی سائحات را آورده است. بنابراین، می‌توان گفت که مصطفوی بهترین معنا را آورده است چه در مقام بیان معنای لغوی و چه در بیان معنای باطنی آیه.

۵-۲. سیح در اصطلاح

برای به دست آوردن معنای اصطلاحی واژه سیح باید تفاسیر قرآن بررسی و تحلیل شود. برای بررسی عمیق و دقیق در برخی از تفاسیر مهم جست‌وجو می‌شود به این شکل که تفاسیری که نظرات نزدیکی دارند به‌طور مختصر با هم بررسی می‌شوند تا مطالب در ذهن مخاطب پراکنده نشود، ولی تحلیل و جمع‌بندی نهایی در انتهای تفاسیر مطرح‌شده، می‌آید.

۵-۲-۱. تفاسیر اجتهادی

معنای اصطلاحی واژه سیح در تفاسیر شیعه و اهل سنت به طور جداگانه بررسی می‌شود.

۵-۲-۱-۱. تفاسیر اجتهادی شیعه

۵-۲-۱-۱-۱. التبیان فی تفسیر القرآن

شیخ طوسی درباره معنای لغوی سیح می‌گوید سیح به معنای سیر در زمین به آرامی و بدون عجله است. (طوسی، بی‌تا، ۱۶۸/۵) در معنای اصطلاحی آن در ذیل آیه ۱۱۲ سوره توبه اقوال مختلف و روایت پیامبر ﷺ آمده است و می‌گویند سائحون به معنای صائمون است (طوسی، ۳۰۷/۵). همچنین در ذیل آیه ۵ سوره تحریم سائحات به کسانی می‌گویند که برای طاعت الهی در گردش هستند (طوسی، ۴۹/۱۰).

۵-۲-۱-۱-۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن

طبرسی در معنای لغوی این واژه با شیخ طوسی هم‌عقیده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵/۵) سائحون همان صائمون هستند. همچنین کسانی که در زمین سیاحت می‌کنند و از عجایب خداوند عبرت می‌گیرند و کسانی که برای طلب علم سیاحت می‌کنند (طبرسی، ۱۱۴/۵). ایشان سائحات در ذیل آیه ۵ سوره تحریم را روزه‌داران معنا کرده‌اند (طبرسی، ۴۷۵/۱۰). شیخ طوسی و علامه طبرسی در معنای لغوی سیح اتفاق نظر دارند و آن را سیر در زمین به آرامی و بدون عجله بیان می‌کنند. نظر علامه مصطفوی درباره معنای لغوی سیح با نظر این دو بزرگوار بسیار شبیه است، اما شیخ طوسی و علامه طبرسی در معنای اصطلاحی باتوجه به اقوال و روایات معانی مختلفی را بیان کرده‌اند که از باب بیان مصداق سائح مطرح شده است. شیخ طوسی گردش برای طاعت الهی را برای بیان معنای سائحات مطرح می‌کند که معنایی جامع و کلی است و می‌تواند بر مصداق دیگر قابل انطباق باشد.

۵-۲-۱-۳. المیزان فی تفسیر القرآن

علامه طباطبایی در ذیل آیه ۱۱۲ سوره توبه می‌فرماید:

مقصود از سیاحت که در لغت به معنای سیر و گردش در زمین است در اینجا آن معنایی که با سیاق ترتیب مناسب‌تر است سیر و رفت و آمد در جایگاه‌های عبادت و مساجد است نه آن معنایی که برخی گفته‌اند که منظور از آن روزه گرفتن و یا سیاحت در زمین برای تفکر در عجایب قدرت خدا و دیدن آثار و دیار امت‌های

گذشته و عبرت گرفتن از سرنوشت آنها و یا منظور از آن مسافرت برای طلب علم و یا طلب خصوص احادیث است؛ زیرا این احتمالات و وجوه با سیاق آیه تناسب ندارد. (محمد رشید، ۱۴۱۴، ۵۲/۱۱)

درمورد وجه اول باید گفت که از جهت الفاظ آیه هیچ دلیلی بر آن نیست و دیگر وجوه هم درباره سیر و تفکر در سرنوشت امم گذشته می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (مؤمن: ۸۲). درباره سیر و سفر برای آموختن علم دین می‌فرماید: «فَلَوْ لَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» (توبه: ۲۲). اگر منظور از سائحون یکی از دو وجه باشد آن لطفی را که در ترتیب صفات ردیف شده است از بین می‌برد. این صفات شریفه صفاتی است که ایمان مؤمن با آنها تمام و کامل می‌شود و مؤمن با داشتن آنها مستوجب وعده قطعی خدا به بهشت می‌شود. برای همین مستوجب می‌شود که داشتن این صفات ملازم با قیام به حق خدا باشد و قیام به حق خدا هم باعث می‌شود که خدای تعالی درباره چنین مؤمنی حقی را که بر خود واجب کرده است و به وعده‌هایی که به او داده است، وفا کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳۹۶/۹). ایشان سائحات را صائحات معنا کرده‌اند (طباطبایی، ۳۳۳/۱۹).

۵-۲-۱-۱-۴. تفسیر نمونه

آیت‌الله مکارم در ذیل آیه ۲ سوره توبه سیحوا را از ماده سیاحت می‌داند که به معنی گردش همراه با آرامش و مهلت است. (مکارم، ۱۳۷۱، ۲۸۲/۷) در ذیل آیه ۱۱۲ سوره توبه می‌گوید که سائحون کسانی هستند که از يك كانون عبادت و پرستش به كانون دیگری رفت‌وآمد دارند و به این ترتیب برنامه‌های خودسازی آنها در پرتو عبادت در محیط محدودی خلاصه نمی‌شود و به افق خاصی تعلق ندارد بلکه همه‌جا كانون عبودیت پروردگار و خودسازی و تربیت برای آنهاست و هر جا درسی در این زمینه باشد، طالب آن هستند. سائح در اصل از ماده سیح و سیاحت به معنی جریان و استمرار گرفته شده است. در اینکه منظور از سائح در آیه چه نوع سیاحت و جریان و استمراری است در میان مفسران گفت‌وگو است. بعضی سیر در میان كانون‌های عبادت را می‌دانند. پیامبر ﷺ در حدیثی می‌فرماید: «سیاحه امتی فی المساجد؛ سیاحت امت من در مساجد است» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۴۷/۹). بعضی دیگر سائح را به معنی صائم و روزه‌دار می‌دانند؛ زیرا روزه يك کار مستمر در سراسر روز است. پیامبر ﷺ فرمود: «ان السائحین هم الصائمون؛ سائحان روزه‌داران هستند» (حویزی، ۱۴۱۵، ۱۷۶/۲). بعضی دیگر از مفسران سیاحت را به معنی

سیر و گردش در روی زمین و مشاهده آثار عظمت خدا و شناخت جوامع بشری و آشنایی به عادات و رسوم و علوم و دانش‌های اقوام که اندیشه انسان را زنده و فکر او را پخته می‌کند، می‌دانند.

برخی از مفسران سیاحت را به معنی سیر و حرکت به سوی میدان جهاد و مبارزه با دشمن می‌دانند حدیث «ان سیاحه امتی الجهاد فی سبیل الله؛ سیاحت امت من جهاد در راه خداست» (رضا، ۱۴۱۴، ۱۵۱/۱۰ و طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۴۷/۹) را شاهد آن گرفته‌اند. برخی آن را به معنی سیر عقل و فکر در مسائل مختلف مربوط به جهان هستی و عوامل سعادت و پیروزی و اسباب شکست و ناکامی دانسته‌اند. باتوجه به اوصافی که قبل و بعد از آن شمرده شده است معنی اول مناسب‌تر از همه است هرچند اراده تمام این معانی از این کلمه نیز ممکن است؛ زیرا همه این مفاهیم در مفهوم سیر و سیاحت جمع است (مکارم، ۱۵۱/۸). سائحات جمع سائح است و بسیاری از مفسران آن را به معنی صائم و روزه‌دار تفسیر کرده‌اند، ولی به طوری که راغب در مفردات می‌گوید روزه بر دو گونه است: روزه حکمی که به معنی ترك غذا و آمیزش است و روزه حقیقی که به معنی نگهداری اعضای بدن از گناهان است و منظور از روزه در اینجا معنی دوم است. این گفته راغب باتوجه به مناسبت مقام جالب به نظر می‌رسد، ولی باید دانست که سائح را به معنی کسی که در راه اطاعت خدا سیر می‌کند نیز تفسیر کرده‌اند (مکارم، ۲۷۹/۲۴). علامه طباطبایی و آیت‌الله مکارم شیرازی در بیان معنای لغوی هم‌نظر هستند با این تفاوت که آیت‌الله مکارم قیود آرامش، مهلت، جریان و استمرار را برای آن بیان می‌کند. این دو عالم بزرگوار در بیان معنای اصطلاحی سیح نیز هم‌نظر هستند و هر دو بر مبنای سیاق نظر داده‌اند با این تفاوت که آیت‌الله مکارم کانون‌های عبادت را محدود نمی‌داند. همچنین انطباق سایر معانی و مفاهیم مطرح شده در اقوال بررسی شده را با سیاحت قابل جمع می‌داند، ولی علامه براساس سیاق آیات آن اقوال را رد می‌کند.

۵-۱-۲-۵. اطبیب البیان فی تفسیر القرآن

عبدالحسین طیب در معنای سائحون می‌فرماید:

«السائحون» در بعضی اخبار تفسیر شده «بصوم» لیکن این بیان مصداق است و در اصل به معنای سیاحت است کسی که قدمی در راه دین و حق بردارد چه در طلب علم یا هدایت اهل ضلالت یا حج یا زیارت ائمه علیهم‌السلام یا قضای حوائج مسلمین باشد. (طیب، ۱۳۶۹، ۳۱۹/۶)

ایشان در بیان معنای اصطلاحی عام‌تر عمل کرده‌اند برخلاف سایرین قید عبادت یا کانون‌های عبادت را متذکر نشده‌اند بلکه می‌گویند: «هر قدمی که در راه حق و دین باشد» حال هر چیزی می‌تواند مصداق آن باشد. چون در آیه عابد به‌عنوان یک ویژگی به‌طور جداگانه بیان شده است دیگر دلیلی برای مقیدکردن این تعریف به عبادت وجود ندارد.

۵-۲-۱-۲. تفاسیر اجتهادی اهل سنت

۵-۲-۱-۲-۱. الکشاف عن حقایق غوامض القرآن

زمخشری در ذیل آیه ۱۱۲ سوره توبه اقوال را بررسی می‌کند و برای معنای سائحون، صائمون را ذکر می‌کند و شباهت این‌دو را در امتناع از شهوات می‌داند. (زمخشری، ۱۴۰۷، ۳۱۴/۲) همچنین که با سائح، صائم هم می‌گویند؛ زیرا سائح زاد و توشه‌ای ندارد و همواره امساک می‌کند تا زمانی که طعامی بیابد (زمخشری، ۵۶۷/۴).

۵-۲-۱-۲-۲. روح المعانی

آلوسی می‌گوید که سیاحت دراصل جریان آب و انبساط آن است، سپس سیر بر مقتضای اراده به‌کار رفته است؛ زیرا دلالت آن بر کمال توسعه است و ادای حق آن در کلمه سیر و نظایر آن وجود ندارد. (آلوسی، ۱۴۱۵، ۲۳۹/۵) سائحان یعنی، صائمان. از عایشه روایت شده است که سیاحت این امت روزه‌داری است. آن از باب استعاره است؛ زیرا روزه از شهوات باز می‌دارد همانند سیاحت که از آنها باز می‌دارد یا به این دلیل است که آن یک ریاضت روحانی است که برای او احوال ملک و ملکوت را کشف می‌کند که این اطلاع شبیه است به اطلاع از شهرها و اماکن دور. مرتاض هم با قدرت فکر از مقامی به مقامی می‌رسد و از شهری از معارف به شهر دیگر داخل می‌شود (آلوسی، ۳۱/۶). ایشان بعد از نقل برخی از اقوال می‌گویند که نظر ایشان همان نظری است که بیان کرده است و صحیح نیست که سیاحت بر معنای مشهور حمل شود؛ زیرا سیاحت نوعی رهبانیت است و از آن نهی شده است (آلوسی، ۳۱/۶)

۵-۲-۱-۲-۳. انوار التنزیل و اسرار التاویل

بیضاوی در ذیل آیه ۱۱۲ سوره توبه براساس روایت پیامبر ﷺ سائحون را صائمون معنا کرده است و مطالبی از تفسیر آلوسی را مطرح می‌کند. (بیضاوی، ۱۴۱۸، ۹۹/۳)

۵-۲-۱-۲-۴. تفسیر القرآن العظیم

ابن کثیر ذیل آیه ۱۱۲ سوره توبه صیام را می‌آورد و آن را بهترین اعمال می‌داند. (ابن کثیر، ۱۴۰۹، ۱۹۲/۴) در ذیل آیه ۵ سوره تحریم با بررسی اقوال مختلف سائح را صیام و مهاجرت معنا می‌کند (ابن کثیر، ۱۸۷/۸).

۵-۲-۱-۲-۵. مفاتیح الغیب

فخر رازی در معنای لغوی سیح می‌گوید که اصل سیاحت گردش در زمین و توسعه در سیر و دوری از شهرها و مکان ساختمان‌ها همراه با آب و غذای کم است. به صائم، سائح می‌گویند به دلیل ترک خوردن و آشامیدن. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۲۴/۱۵) ایشان در ذیل آیه ۱۱۲ سوره توبه طی سه قول معنای سائحون را بیان می‌کند که به شرح زیر است:

- قول اول: ایشان ابتدا تعدادی از اقوال را مبنی بر اینکه سائحون همان صائمون هستند، بیان می‌کند و این چنین ادامه می‌دهند که گفته شده است آنها کسانی هستند که مدام روزه هستند و در معنای آن برای تفسیر بهتر سائح به صائم دو وجه وجود دارد: ازهری: صائم سائح است؛ زیرا سیر می‌کند در زمین برای عبادت بدون زاد و توشه و مانند صائم از خوردن امساک می‌کند. برای همین سائح را صائم نامیده‌اند. اصل سیاحت استمرار در سیر در زمین است مانند آبی که در زمین سیر می‌کند و صائم استمرار دارد در فعل طاعت و ترک تمایلاتی مانند خوردن، آشامیدن و جماع. نظر بنده هم وجه دوم است. وقتی انسان از خوردن، آشامیدن و جماع دوری می‌کند و راه شهوات را بر نفس خود سد می‌کند درهای حکمت بر او باز می‌شود و انوار عالم جلال بر او تجلی می‌یابد.

قال المعصوم علیه السلام:

من اخلص لله اربعين صباحا، ظهرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه.

پس سائحون در عالم جلال الهی از مقامی به مقامی و از درجای به درجای انتقال می‌یابند و سیاحت در عالم روحانیت برای او حاصل می‌شود.

- قول دوم: عکرمه می‌گوید: «مراد از سائحین طلاب علم هستند که از شهری به شهر دیگر برای طلب علم سفر می‌کنند». وهب بن منبه می‌گوید:

سیاحت در بنی اسرائیل بوده است. برای سیاحت اثر عظیمی در تکمیل نفس وجود دارد؛ زیرا انواع ضرر و سختی او را دربرمی‌گیرد پس به ناچار بر آنها صبر

می‌کند و از هر فایده‌ای به‌طور خاص استفاده می‌کند، با بزرگان مردم ملاقات می‌کند و خود را در مقابل آنها کوچک می‌پندارد، به خواسته‌های بسیاری می‌رسد و از آنها سود می‌برد، احوال اهل دنیا را مشاهده می‌کند و تقوای معرفت پیشه می‌کند. به‌طور کلی سیاحت آثار قوی در دین دارد.

قول سوم: ابومسلم می‌گوید:

سائحون از السیح گرفته شده است و آنها سائرون در زمین هستند. سیح آب جاری است و منظور کسی است که برای مجاهدت و مهاجرت خارج می‌شود و خداوند متعال مؤمنان را در آیه اول بر جهاد سوق می‌دهد، سپس این آیه را در بیان صفات مجاهدین می‌گوید، پس شایسته است که بر تمام این صفات متصف شوند. (فخررازی، ۱۵۴/۱۶)

مفسران اهل سنت باوجود نقل اقوال مختلف سائح را صائم معنا کرده‌اند که یا برمبنای بیان مصداق است یا براساس روایات نقل شده ذیل این آیه.

۵-۲-۱-۳. تفاسیر عرفانی شیعه

تفاسیر عرفانی در به‌دست آمدن معنای اصطلاحی تأثیر زیادی دارد.

۵-۲-۱-۳-۱. بیان السعادة فی مقامات العباده

شاه سلطان علی می‌فرماید:

السَّائِحُونَ یعنی، در اراضی عالم صغیر و عالم کبیر سیاحت می‌کنند و در اخبار امت‌های گذشته و در شرایع انبیا و مواظب اولیا و نصایح آنها و در کتاب‌های آسمانی و به‌ویژه قرآن که نگهبان همه کتابهاست و در روایات به همه این معانی اشاره شده است و به‌معنی روزه‌داران نیز تفسیر شده است.

در روایات آمده است:

سیاحت امت من روزه است. این معنی از تفسیر به سبب است؛ زیرا روزه منع قوای حیوانی از تمایلاتش است و قوای حیوانی را ضعیف می‌کند و با تضعیف آن قوا حجاب از حواس انسانی برداشته می‌شود و چشم بصیرت قلب باز می‌شود و پای عقل آزاد می‌شود، پس در زمین‌های وجودش سیاحت می‌کند و سیاحت او به اراضی سیره انبیا و اولیا و کتاب‌های آنها می‌رسد یا سرایت به سیاحت عالم کبیر می‌کند به این صورت که در آیات آن نظر کرده و از تغییرات آن نسبت به اهل عالم کبیر عبرت می‌گیرد که آن سیاحت حقیقی است نه راه رفتن بر روی زمین. حال آنکه از آن‌گونه نظر و عبرت خالی است. (سلطان علی شاه، ۱۴۰۸، ۲/۲۸۱)

ایشان سیاحت را همان سیر و سلوک عرفانی در عوالم صغیر و کبیر می‌داند و معنایی مانند صیام را از نوع تفسیر به سبب می‌داند و این سبب را مشابهتی می‌داند که بین این دو است.

۵-۲-۱-۳-۲. انوار درخشان در تفسیر قرآن

در این تفسیر در ابتدای آیه ۱۱۲ سوره توبه آمده است که این صفات مؤمنانی است که در آیه قبل به آن اشاره شده است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ۱۲۳/۸) و سائحون این گونه معنا شده است: سائحون پیوسته در محور ایمان و ادای وظایف سیر می‌کنند مانند سعی درباره تحصیل علوم دینی و التزام به حضور جماعت و یا برای ادای حوائج مردم و یا به قصد حج. (حسینی همدانی، ۱۲۴/۸)

۵-۲-۱-۳-۳. مخزن العرفان در علوم قرآن

بانو امین می‌فرماید:

«السائحون» که تفسیر به روزه‌داران شده است در صورتی که سائح سیرکننده را گویند، می‌شود سائح را به قرینه سیاق فقرات آیه، استعاره گرفت و آن را حمل به روزه‌داران کرد و گویند در حدیثی حضرت رسول ﷺ می‌فرماید: «سیاحه امتی الصیام» و نیز گفته‌اند: «فردای قیامت هر کسی را در بهشت جای معین دهند مگر روزه‌داران را که به او گویند تو در بهشت بگرد و سیاحت کن» (امین، بی‌تا، ۱۰۷/۶)

حسینی سیر بر محور ایمان و ادای وظایف به عنوان تفسیری عرفانی از سائح را بیان می‌کند و معانی دیگر را به عنوان مصداق و مثال می‌آورد، ولی بانو امین «سائح» را به قرینه باقی فقرات آیه استعاره به روزه‌داران کرده است که مصداقی برای سائح است.

۵-۲-۱-۴. تفاسیر عرفانی اهل سنت

۵-۲-۱-۴-۱. تفسیر تستری

تستری در معنای «سیحوا» می‌گوید: «اعتباراً در زمین سیر کنید در حالی که به خداوند اقرار می‌کنید». (تستری، ۱۴۲۳، ص ۷۲)

۵-۲-۱-۴-۲. لطائف الاشارات

قشیری در ذیل آیه ۲ سوره توبه می‌فرماید:

اگر آنها از هلاکت گمراهی در این مهلت امساک کنند آنچه از وصال گم کرده بودند را می‌یابند. (قشیری، ۲۰۰۰، ۶/۲)

۵-۲-۱-۴-۳. حقایق التفسیر

سلمی از قول ابن عطا می‌فرماید: «سائحون کسانی هستند که شهواتشان را ترک می‌کنند و مراد آنها برای مراد حق در آن است». (سلمی، ۱۳۶۹، ص ۹۸) تستری تنها سیر را در بیان معنای سیحوا می‌آورد که معنای اصطلاحی نیست برخلاف قشیری و سلمی که حتی به این سیر که بیان آن ضروری است، اشاره‌ای نکرده‌اند و به‌نظر می‌آید به‌دلیل امساک که از صیام دارند مسئله امساک از هلاکت و گمراهی و ترک شهوات را مطرح کرده‌اند که معنای لغوی نیست چه رسد به اصطلاحی.

۵-۲-۱-۴-۴. بحر المدید فی تفسیر القرآن المجید

ابن عجیبه می‌فرماید:

سائحون یعنی، صائمون به‌دلیل روایت پیامبر ﷺ است زیرا در این روایت، سائحون به دست برداشتن از شهوات و ریاضت نفسانی معنا شده است که به وسیله آن به خفایای ملکوت و جبروت دست پیدا می‌کند. (ابن عجیبه، ۱۴۱۹، ۴۳۲/۲)

۵-۲-۱-۴-۵. کشف الاسرار

میبدی سائحون را بر مبنای روایت پیامبر ﷺ صائم معنا می‌کند و سه معنا که مفسران آورده‌اند را بیان می‌کند که عبارتند از صائمون، مجاهدون و طالبان علم. (میبدی، بی‌تا، ۲۲۰/۴) براساس آیه ۵ سوره تحریم از میان سخن‌های مختلف معنای صائم را می‌پذیرند و می‌گویند که صائم را سائح نامیده‌اند؛ زیرا در روز بدون زاد و توشه می‌شود (میبدی، ۱۵۹/۱۰). ابن عجیبه و میبدی براساس روایت پیامبر ﷺ صیام را مطرح کرده‌اند و تفسیر عرفانی از آیه نیاورده‌اند. پیامبر ﷺ از باب بیان مصداق صیام را آورده است.

۵-۲-۱-۴-۶. عرائس البیان

روزبهان بقلی در ذیل تفسیر آیه ۱۱۲ سوره توبه ۹ مقام در سیر و سلوک الی‌الله را می‌آورد و هر مقام را توضیح می‌دهد. مقام سائحون را این‌گونه بیان می‌کند:

سائحون کسانی هستند که با قلب‌هایشان در ملکوت در سیر و گردش هستند و پرندگانی که با بال‌های محبت در هوای جبروت در حال پرواز هستند در اطراف غیب شناور و تسبیح‌گو هستند. بزرگان تواضع با دیدن عظمت و کبریایی خداوند در مکاشفات به وصف فنا اقتضا دارند. (بقلی، بی‌تا، ۴۹/۲)

۵-۲-۱-۴-۷. تفسیر ابن عربی

ابن عربی در ذیل آیه ۱۱۲ سوره توبه درباره سائحون می گوید:

سیاحت کردند با هجرت از مقام فطرت و رؤیت کمالات ثابت و با آنها الفت گرفتند و به آنها توجه کردند و آنها در صفات و منازل تسبیح به بهجت رسیدند. (ابن عربی، ۱۴۲۲، ۲۷۲/۱)

۵-۲-۱-۴-۷. تبصیر الرحمن و تیسیر المنان

مهائمی می گوید: «سائحون کسانی هستند که در جهان می گردند و وقتی کمالات اشیاء را دیدند از عظمت او می شکنند و به دلیل کمالات آن خود را خوار می بینند». (مهائمی، ۱۴۰۳، ۳۱۵/۱) سائحات کسانی هستند که در حج و در حب نبی اکرم ﷺ در گردش هستند (مهائمی، ۳۵۲/۲).

۵-۲-۱-۴-۸. المفاتیح الالهیه

شیخ علوان درباره معنی سائح می فرماید: «آنها سالکان سیرکننده در راه هدایت و رشد برای افزایش معارف و حقایق هستند». (شیخ علوان، بی تا، ۳۱۹/۱) سائحات در آیه ۵ سوره تحریم روزه دارانی هستند که از مطلق محارم دوری می کنند یا از سر شوق از بقعه الامکان به سوی فضای وجوب مهاجرت می کنند (شیخ علوان، ۴۲۷/۲). روزبهان، ابن عربی، مهائمی و شیخ علوان معنایی عرفانی از سیاحت آورده اند و آن را به شکل های مختلفی همان سیر و سلوک در عوالم می دانند. سیر و سلوکی که در مسیر حق و بر مبنای دین باشد را می توان معنای باطنی از آیه دانست.

۶. نتیجه گیری

- در تفاسیر اجتهادی اهل سنت مفسران صیام را به عنوان معنای سیح آورده اند. این معنا را تنها می توان بیان مصداق برشمرد. مفسران به دو دلیل این تفسیر را آورده اند:
- به دلیل توجه به روایت مطرح شده سائح را صائم را تفسیر کرده اند، اما باید گفت که روایت نیز در مقام بیان مصداق است.
- به دلیل تفسیر به سبب است و آن سبب مشابهت بین این دو معنا را آورده اند آن هم به این دلیل است که مصداق هر چیز به خود آن شبیه است.

- باتوجه پژوهشی که انجام شد، معنایی که مفسران برای واژه «سائحون» نوشته اند تنها بیان مصداق است نمی‌توان پذیرفت که این معانی مطرح‌شده معنای اصطلاحی سیح باشد؛ زیرا لفظی که چندین مصداق دارد یک معنای اصلی دارد که آن معنای اصلی شامل این مصادیق می‌شود.

- در تفاسیر اجتهادی شیعه برخی بیان مصادیق را آورده‌اند که قابل قبول نیست، اما برخی معنای کلی را آورده‌اند که کلی‌ترین معنا در تفسیر اطیب البیان آمده است و آن گردش در راه حق و دین است.

از مجموع تفاسیر اجتهادی شیعه می‌توان نتیجه گرفت که معنای اصطلاحی سیح، سیر و گردش در سراسر عالم در راه دین و حق است و این عمل خود از عبادات حق تعالی است و می‌تواند مصادیق متعددی داشته باشد که این مصادیق را هم می‌توان در روایات دید و هم در اقوال مفسران در تفاسیر متعدد.

- در میان تفاسیر عرفانی تستری، قشیری و سلمی تفاسیر ناقصی دارند. امین سائح را به قرینه حمل بر روزه کرده است، ولی مصداق نمی‌تواند معنای اصطلاحی سیح باشد. مفسران دیگر برای وتژه سیح بیانی عرفانی آورده‌اند و سیاحت را سیر و سلوک الی الله می‌دانند و به شکل‌های مختلفی این نوع سیاحت را آورده‌اند. این معنای بیان بطن آیه و معنای باطنی آن است که می‌توان آن را معنای اصطلاحی دانست. با نگاهی جامع‌تر دو معنای کلی برای سیح مطرح می‌شود و این دو معنا در صورتی قابل جمع است که برای معنای اصطلاحی سیح هم معنای ظاهری و هم معنای باطنی در نظر گرفته شود. گردش در زمین برای دین و حق معنای اصطلاحی-ظاهری و سیر و سلوک الی الله معنای اصطلاحی-باطنی سیح است.

- با بررسی نظر لغت‌شناسان مشخص شد که واژه سیح به معنای سیر و جریان آب بر روی زمین همراه با تروی، تامل و درنگ است و دیگر کاربردهایی که برای این واژه مطرح است نیز به دلیل داشتن ویژگی‌های این تعریف است که در این کاربردها آمده است.

- با بررسی و تحلیل تفاسیر شیعه و اهل سنت در رویکرد اجتهادی و عرفانی این نتیجه به دست آمد که معنای اصطلاحی سیح، سیر و گردش در زمین برای دین و ادای حق است، ولی این معنا از ظهور لفظ در آیه قرآن به دست آمده است و برخی مفسران معنای باطنی برای این واژه مطرح کرده‌اند که آن هم می‌تواند معنای اصطلاحی و باطنی این واژه باشد.

- سیر و گردش در عالم با هدف ادای حق و پیروی و اجرای دین حقیقتی جدا از سیر و سلوک الی الله نیست بلکه از مراتب آن است و با آن رابطه تنگاتنگ دارد. کسی که با این هدف در زمین سیر می کند به طور قطع در مسیر سیر و سلوک الی الله قرار دارد. از طرف دیگر بی تردید میان معنای لغوی و اصطلاحی رابطه است و معنای اصطلاحی به صورت ریشه ای به معنای لغوی واژه برمی گردد. جریان آب همراه با تروی، تأمل و درنگ نتیجه بسیار مهمی دارد و آن پاکی و طهارت است. سیر در عالم برای دین الهی و سیر و سلوک الی الله نیز سراسر پاکی و صفای باطن برای سالک به همراه دارد. سیر و سلوک یک حرکت مستمر همراه با توجه به ذات اقدس الهی و نیز همراه با تفکر و تأمل و درنگ در این مسیر پرخطر است که در هر مرتبه آن پاکی و طهارت را برای سالک به همراه دارد. میان معنای لغوی و اصطلاحی سیح این گونه ارتباط برقرار می شود که این خود دلیل محکمی بر صحت یافته های پژوهش حاضر است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲. ابن عجبیه، احمد (۱۴۱۹). البحر المذید فی تفسیر القرآن المجید. قاهره: حسن عباس زکی.
۳. ابن عربی، محمد بن علی (۱۴۲۲). تفسیر ابن عربی (تأویلات عبد الرزاق). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۷. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱). تهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. امین، نصرت بیگم (بی تا). تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن. بی جا: بی نا.
۹. بلاسی، محمد السید علی (۲۰۰۱). المغرب فی القرآن. بنغازی: جمعیة الدعوة الاسلامیه العالمیه.
۱۰. بیضاوی، عبد الله بن عمر (۱۴۱۸). انوار التنزیل و اسرار التأویل. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. تستری، سهل بن عبدالله (۱۴۲۳). تفسیر التستری. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۲. جفری، آرتور (۱۳۸۶). واژه های دخیل در قرآن. تهران: انتشارات توس.
۱۳. حسینی همدانی، سید محمد (۱۴۰۴). انوار درخشان. تهران: لطفی.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
۱۵. رضا، محمد رشید (۱۴۱۴). تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار. بیروت: دار المعرفه.
۱۶. روزبهان بقلی، روزبهان بن ابی نصر (۲۰۰۸). عرائس البیان فی حقایق القرآن. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۷. زمخشری، محمود (۱۴۰۷). الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل. بیروت: دار الکتاب العربی.
۱۸. سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۴۰۸). بیان السعاده فی مقامات العباد. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

١٩. سلمی، محمد بن حسین (١٣٦٩). حقایق التفسیر. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
٢٠. شیخ علوان، نعمه الله بن محمود (١٩٩٩). الفواتح الالهیه و المفاتيح الغیبیه: الموضحه للكلم القرآنیه و الحكم الفرقانیه. قاهره: دار ركابی للنشر.
٢١. صافی، محمود (١٤١٨). الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه مع فوائد نحویه هامه. دمشق: دار الرشید.
٢٢. طباطبایی، سید محمد حسین (١٣٩٠). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
٢٣. طبرسی، فضل ابن حسن (١٣٧٢). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
٢٤. طریحی، فخر الدین بن محمد (١٣٧٥). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
٢٥. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٢٦. طیب، عبدالحسین (١٣٦٩). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: اسلام.
٢٧. فراهیدی، خلیل بن احمد (١٤٠٩). العین. قم: نشر هجرت.
٢٨. فخر رازی، محمد بن عمر (١٤٢٠). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٢٩. فیومی، احمد بن محمد (١٤١٤). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. قم: مؤسسه دار الهجره.
٣٠. قرشی، علی اکبر (١٣٧١). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
٣١. قشیری، عبدالکریم بن هوازن (٢٠٠٠). لطایف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم. قاهره: الهیئة المصریه العامه للکتاب.
٣٢. مصطفوی، حسن (١٣٨٥). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
٣٣. مکارم شیرازی، ناصر (١٣٧٣). ترجمه قرآن. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
٣٤. مکارم شیرازی، ناصر (١٣٧١). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
٣٥. مهائمی، علی بن احمد (١٤٠٣). تفسیر القرآن المسمی تبصیر الرحمن و تیسیر المنان. بیروت: عالم الکتب.
٣٦. میبدی، احمد بن محمد (١٣٧١). کشف الاسرار و عده الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری). تهران: امیر کبیر.